کاهش ریسک مدیران انگلستان

هزینهء فن‏آوری اطلاعاتی

فن‏آوری اطلاعاتی مهم‏ترین موضوعی است که به‏ صنعت تحمیل می‏شود،و دست‏اندرکاران مقدار زیادی زمان و پول در فرآیند اصلی مهندسی برای‏ ارائه راه‏حل‏های رقابتی‏تر جهت فعالیت خود سرمایه گذاری می‏کنند.با توجه به تغییرات سریع که‏ در فن‏آوری اطلاعاتی رخ می‏دهد و باانگیزهء جهانی‏ برای بهبود نظام فن‏آوری اطلاعاتی،این اطمینان‏ وجود ندارد که کاهش هزینه در فن‏آوری اطلاعاتی‏ لزوما به مزیت‏های نسبی قابل توجهی منجر خواهد شد.

اشباع توزیع

یکی از درون مایه‏هایی که شرکت کنندگان در تحقیق آن را پرورش دادند اهمیت توزیع بود.با تعداد زیادی از رقبا در این صنعت در حال رشد یکی از عوامل واضح در موفقیت به دست آوردن حق توزیع‏ است.یکی از نتایج پژوهش مورد بحث ایجاد تنوع در سکوهای مورد انتظار توزیع است.در یک زمان پنج‏ ساله،اکثریت شرکت کنندگان امیدوارند که توزیع‏ محصولات تقریبا در حول و حوش کلیهء سکوهای‏ قابل دسترسی انجام پذیرد.امید می‏رود که اهمیت‏ شبکهء اینترنت و پست مستقیم به‏طور چشم‏گیری‏ افزایش یابد.در حالی‏که نمایندگان چند پیشه به عنوان‏ عمده‏ترین کانال توزیع طی پنج سال باقی می‏مانند، انتظار می‏رود که اینترنت از رده دوازدهمین کانال مهم‏ توزیع به ردهء پنجم،و پست مستقیم از ردهء پنجم توزیع‏ به ردهء سوم تا سال دیگر صعود کنند.

فرصت‏های بی‏شماره وجود دارد ولی‏ شرکت‏هایی که در یک دورهء پنج ساله خود را حفظ می‏کنند دیگر ماهیتشان تغییر یافته است.

منبع

Asia Insurance Review,Sept.1998.

کاهش ریسک مدیران انگلستان

بیمه‏گران مدیران و مسؤولین در پی‏تصمیم امسال‏ مجلس اعیان در مورد پرونده ویلیامز علیه شرکت‏ مواد غذایی سلامت حیات طبیع،نفسی به راحتی‏ کشیدند.

به نظر می‏رسد که توانایی مدیران در پناه بردن به‏ شخصیت حقوقی شرکت‏ها کاهش یافته و هزینهء بیمه‏ کردن آنان در برابر مسؤولیت‏های شخصی به بالاترین‏ حد خود رسیده بود تا اینکه مجلس اعیان تصمیم‏ قاضی و دادگاه استان را رد کرد.

به‏طور خلاصه در مورد پروندهء ویلیامز می‏توان‏ گفت که شرکت مواد غذایی سلامت حیات طبیعی‏ (حیات طبیعی)در سال 1986 به منظور اعطای امتیاز فروش به فروشگاه‏های غذای سالم توسط«ریچارد میستلین»دایر شد آقای میستلین سهامدار اصلی‏ شرکت،ریاست هیأت مدیره را برعهده داشت.شرکت‏ سه کارمند نیز داشت.در سال 1987 آقای ویلیامز و یکی از همکارانش(شاکی)جهت اعطای امتیاز به‏ یک فروشگاه غذای سالم که از نام«حیات طبیعی»نیز استفاده کند با شرکت«حیات طبیعی»وارد گفتگو شدند.

بروشوری از معرفی و شرح تحقیقات و یافته‏های‏ آقای میستلین و طرح‏های مالی مربوط به سودآوری‏ اعطای امتیاز فروش که هزینهء فراوانی برای آقای‏ میستلین در برداشت،برای شاکی فرستاده شد.

شاکی در هیچ مرحله‏ای با آقای میستلین مستقیما وارد معامله نشد و کلیهء اسناد پیش قراردادی در دفاتر شرکت موجود بود.

سپس براساس بروشور و طرح‏های مالی،شاکی با شرکت حیات طبیعی یک قرارداد اعطای امتیاز منعقد کرد.اما مبادلات به صورت چشمگیری پایین‏تر از آن‏ بود که تصور می‏رفت.و آنان مدت 18 ماه با ضرر مواجه شدند،در نتیجه از تجارت با یکدیگر دست کشیدند.

شاکی به علت خسارت ناشی از اطلاعات‏ مسامحه کارانه از شرکت حیات طبیعی شکایت کرد.با وجود این،شرکت حیات طبیعی منحل گردید در صورتی که شاکی را در انتخاب پس گرفتن‏ دادخواستشان و یا طرف شدن با آقای میستلین با مسؤولیت شخصی ایشان باقی گذارد.

هر دو دادگاه نظر دادند که آقای میستلین یک‏ مسؤولیت شخصی را در قبال پذیرفته بود.دادگاه‏ها به‏ اهمیت شخصیت حقوقی شرکت توجه کردند اما عقیده داشتند که در شرایط خاص،یک مدیر می‏تواند شخصا مسؤول عملکرد نادرس شرکتی که قبلا مسؤولیت آن عملکرد یا گفته را به عهده گرفته،باشد.

آن‏ها ملاحظه کردند که آقای میستلین آن‏ مسؤولیت شخصی را تقبل کرده بود.

تصمیم در مجلس اعیان

مجلس اعیان تصمیمات پیشین را رد کرد و معتقد بود که آقای میستلین شخصا مسؤول ویلیامز و همکارانش نبوده است.به این ترتیب،احکام صادره‏ در پرونده هدلی‏بابرین علیه هلر و شرکاء(1964)و پرونده هندرسن علیه مرت سیندی کینز(1995)مورد تجدید نظر قرار گرفت.

اولین مسأله این بود که پذیرش مسؤولیت از طرف‏ مدیر باید همانند ایجاد یک ارتباط ویژه بین مدیر و شاکی باشد.بررسی‏های دقیق که دادگاه‏ها در مورد پذیرش مسؤولیت شخصی در قانون انجام دادند بجز در موارد بخصوص،از طرف هر شریک قابل قبول‏ نبود.

دوم اینکه شاکی نیز به پذیرش مسؤولیت شخصی‏ توسط مدیر اتکا می‏کند.بدون این اتکا،رابطهء علی‏ بین مسامحه کاری و ضرر از بین خواهد رفت.به نظر می‏رسید آقای میستلین مسؤولیت شخصی در قبال‏ آقای ویلیامز را پذیرفته بود و هیچ معامله شخصی با شاکی نداشت.

هرچند بروشوری که قرارداد نیز از آن حمایت‏ کرده بود نشان می‏داد که مهارت شرکت از تجربهء شخصی خود آقای میستلین ناشی شده است اما با این‏ وجود مسؤول دانستن شخص آقای میستلین صحیح‏ نبود.در شرکت‏های کوچک یک نفره،هیأت مدیره به‏ ناچار باید شخصی با قابلیت‏های ضروری برای‏ عملکرد شرکت باشد،با این وجود نمی‏توان مدیر را شخصا مسؤول مشتریان دانست.

هم‏چنین مدارک کمی جهت نشان دادن پذیرش‏ مسؤولیت شخصی(اظهار شده توسط آقای میستلین) از طرف قرارداد،وجود داشت.

اثرات عملی تصمیم مجلس

به علت نقض و برگشت تصمیمات پیشین مجلس‏ اعیان،مدیران و بیمه‏گران آن‏ها در مورد مسؤولیت‏ شخصی در پی‏عملکرد و گفتگوی پس از مذاکرات‏ حقوقی،نگرانی شدیدی پیدا کردند.این موضوع در شرکت‏های کوچک با یک نفره که شخصیت‏های‏ حقوقی و شخصی به راحتی قابل تشخیص نیستند، بیشتر به چشم می‏خورد.

مجلس اعیان راهی به سوی رویارویی با این‏ نگرانی‏ها طی می‏کند.اما مفهوم پذیرش مسؤولیت‏ مبهم است و از این ابهام نمی‏توان اجتناب ورزید.

با این وصف،برخی از اقدامات عملی ممکن است‏ ریسک در مسؤولیت شخصی را به حداقل برساند:

\*کلیه مکاتبات در دفاتر شرکت نوشته شود و مدیر از طرف شرکت آن را امضا کند.

\*کلیه صورت حساب‏ها از طرف شرکت ارائه شوندو نه از طرف مدیر.

\*تمام مراحل از طریق خود شرکت رهبری و هدایت‏ شوند،یعنی مدیر باید طبق توانایی خود تحت عنوان‏ مدیر شرکت عمل کند و نه طبق توانایی شخصی خود.

منبع

Insurance Day,Nov 1998